



تحلیلها از پدیده رؤیا در قرآن کریم و فرهنگ اسلامی

(صفحه ۷۸-۹۸)

محمدرضا حاجی اسماعیلی^۱

زهرا کریمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۳

چکیده

پدیده رؤیا حقیقتی است که انسان در حیات خویش دایم آن را تجربه می‌کند. خواب دیدن، رویارویی مداوم انسان با مناظری است گاه فرح بخش و گاه جان‌سوز. بدین سان، در فرهنگهای مختلف از دیرباز بحثهای مختلفی در تحلیل ماهیت آن پی گرفته شده است؛ همچنان که از دیرباز، برخی تطابق رؤیا با واقع را موضوعی شایان تأمل شناخته، و برخی دیگر نیز، واقع‌نمایی رؤیا را انکار نموده‌اند. بحث در باره رؤیا در فرهنگ اسلامی هم سابقه‌ای کهن دارد. قرآن کریم به‌روشنی در باره اقسام این پدیده بحث نموده، و میان رؤیاهای صادق و خوابهای پریشان تمایز نهاده است. به همین ترتیب، ضمن یادکرد برخی کارکردهای رؤیا و حکمت الهی از خلق آن، از رؤیا به مثابه نشانه خدا، و از رؤیای انبیای الهی همچون گونه‌ای از وحی و دریافت پیام از خداوند یاد نموده است. پایه‌های این اشارات و تصریحات قرآنی، عالمان مسلمان هم از دیرباز به

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان و عضو هیئت علمی دانشگاه خراسان
M.Hajis1@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان
karimi.z88@gmail.com

تحلیل این پدیده توجه نشان داده، و در باره آن از جهات و زوایای مختلف بحثهایی مطرح کرده‌اند. بناست که در این مطالعه، نگرشهای رایج به رؤیا در فرهنگ اسلامی و جایگاه آن در متون بنیادین این فرهنگ، بازکاوی شود.

کلید واژه‌ها: رؤیای صادق، خواب، خواب دیدن، وحی، حجیت رؤیا.

مقدمه

حدود یک سوم زندگی انسان را خواب تشکیل می‌دهد. در زمان خواب، در یک لحظه معین بخشی از فعالیتهای مغزی از کار می‌افتد، چشمها بسته می‌شود و تمام اعضاء در سکون فرو می‌روند. خواب نقش اساسی در سلامت انسان دارد. افرادی که خواب کافی یا طبیعی ندارند، معمولاً انسانهایی پرمرده، عصبانی و افسرده‌اند. در مقابل، افرادی که خواب متعادل دارند، انسانهایی با نشاط هستند. خواب مناسب در روند فعالیتهای روزانه اشخاص نقش بسزائی دارد. از این رو، گاه گفته‌اند هیچ شکنجه‌ای برای انسان همچون بی‌خوابی نیست (برای تفصیل بحث، رک: سیگل^۱، سراسر مقاله؛ نیز مکارم شیرازی، ۲۶/۱۸-۲۰).

دانشمندان از منظر علوم مختلف زیستی برای تحلیل ماهیت خواب کوشش کرده، و فرضیاتی متفاوت را بروز داده‌اند. این میان، عده‌ای عامل اصلی خواب را فرایندهایی شیمیایی می‌دانند که مسمومیت مغز را در پی سوخت و سازهای مختلف بدن به همراه دارد. از این منظر، خواب چیزی جز یک پدیده زیستی محض که حاصل اختلال مغزی ناشی از این مسمومیت است، بیش نیست. برخی نیز معتقد به فرضیه عروقی هستند؛ به این معنا که هرگاه خون کمی به مغز برسد، انسان را خواب فرا می‌گیرد. بر خلاف فرضیه عروقی، نظریه دیگری تشدید جریان خون را عامل اصلی فرآیند خواب می‌داند.

این فرضیه، به فرضیه آوندی معروف است. فرضیه دیگر، خواب را بر پایه سوختن مواد قندی و تولید گازهای کربنی در پی آن تحلیل می‌کند. از این منظر، سوختن مواد قندی در بدن سبب ایجاد گازهای کربنی می‌شود. مقداری از آن به وسیله باز دم دفع می‌شود. بالاینحال، مقداری نیز در خون فرد نفوذ می‌کند و همین باعث خواب آلودگی می‌گردد. سرآخر، فرضیه رفلکس نیز، خواب را عکس العمل طبیعی دستگاه عصبی بدن در برابر محرکهای خارجی می‌شناساند (رضوان طلب، ۳۶-۴۲).

در طول خواب ممکن است فرد افکار، تصاویر، یا احساساتی را تجربه کند که بعضی از آنها از قبیل رویدادهای روزمره، و برخی نیز عجیب و غریب یا نامفهومند. چنین تجربه‌ای رؤیا نامیده می‌شود. می‌توان در تعریف رؤیا، آن را گونه‌ای فعالیت ذهنی دانست که با فعالیتهای ذهن در هنگام بیداری فرد، متفاوت است. انسانها از دورانهای کهن به اشکال مختلف بدان نگرسته، و در تحلیل آن کوشیده‌اند. مشهورترین نظریه پردازیهای روان‌شناسانه در باره رؤیا، یکی نظریه فروید، و دیگری نظریه یونگ است. فروید عقیده داشت که خوابها، بازتاب امیال سرکوب شده انسانند؛ امیالی که در ناخودآگاه فرد وجود دارند، اما فرد خود از آنها آگاه نیست. این امیال در خوابها به اشکالی نمادین ظاهر می‌شوند (رک: فروید، ۱۰۵ به بعد). یونگ نیز در تحلیلی از برخی جهات مشابه، خوابها را بازتاباننده ناخودآگاه ذهن هر فرد می‌دانست. از نگاه وی، خوابها بخشی از شخصیت فرد خواب بیننده را از دید خود وی پنهان است، آشکار می‌کنند (برای تفصیل بحث از نظریه وی، رک: یونگ، رابط، سراسر هر دو اثر؛ نیز، برای تمایز نگرش فروید و یونگ، رک: مقدم، ۵۴۳-۵۴۴).

چنان که اشاره شد، در هنگام خواب ممکن است با نشانه‌ها و نمادهایی مواجه باشیم که دور از واقع و عجیبند و بیشتر به افسانه شباهت دارند. بیشتر رؤیاهای ما یک

صفت مشترک دارند و آن این که از قوانین منطقی هنگام بیداری پیروی نمی‌کنند و مقولات زمان و مکان در رؤیا نادیده گرفته می‌شود. شاید بتوان بر این پایه حکم کرد که رؤیا، از بیشترین شباهت با اساطیر - که جزء باستانی‌ترین آفرینشهای بشری است - برخوردار است (فروم، ۵). توضیح این که همان طور که افراد مختلف رؤیاهای مختلف دارند، هر ملتی برای خود اساطیر گوناگونی دارند. هم رؤیا و هم اساطیر، به زبان نمادین بیان شده‌اند. رؤیاهای انسان بدوی و انسان امروزی به همان زبان ابراز می‌شود که اساطیر ابتدای تاریخ بدان بیان گردیده‌اند. در واقع، زبان نمادین، زبانی است که تجربیات درونی و احساسات و افکار را به شکل پدیده‌های حسی و واقعی در دنیای خارج بیان می‌کند و با منطق معمول و روزمره ما متفاوت است؛ منطقی که از مقوله زمان و مکان تبعیت نمی‌کند و به عکس، تحت تسلط عواملی چون شدت احساسات و تداعی معانی است (فروم، ۷۶) برای نمونه، انسان در خواب عمر دراز و معیشت خوش را به شکل خوردن آب شیرین می‌بیند، یا خوردن آب شور دقیقاً عکس آن معنی می‌دهد (کامل‌التعبیر، ۳۰).

اکنون بر پایه آنچه ذکر شد، جای پرسش دارد که اولاً، از نگاه قرآن کریم پدیده رؤیا چه ماهیتی دارد؛ ثانیاً، آیا از نگاه قرآن کریم رؤیا می‌تواند واقع نما باشد؛ و ثالثاً، در فرهنگ اسلامی چه نظریه پردازی‌هایی در باره ماهیت و کارکرد رؤیا صورت گرفته است. بناست که در این مطالعه، پاسخ این پرسشها جسته شود.

۱. توصیف قرآن کریم از رؤیا

الف) اصطلاحات

در موقعیتهای مختلفی از قرآن کریم، در باره مسئله خواب انسانها بحث شده است. قرآن کریم برای اشاره به خوابهای کوتاه گاه از تعبیر «نُعاس» (آل عمران/ ۱۵۴؛ انفال/

۱۱)، و گاه از تعبیر «سَنَّة» (بقره / ۲۵۵) یاد می‌کند. تعبیر «نوم» بیشتر برای اشاره به خوابهای بلند به کار می‌رود؛ خوابهای بلندی که معمولاً با آرامش گرفتن فرد همراه است (نبأ / ۹). ممکن است فرد هنگام این خوابها چنان دچار آرامش گردد که حتی عذاب الهی بر وی نازل شود و درنیابد (قلم / ۱۹، اعراف / ۹۷).

برای اشاره به خواب دیدن، معمولاً از تعبیر «مَنام»، «رُؤیا» و گاهی هم از تعبیر «بُشری» استفاده شده است. این هر سه کلمه، همیشه به خوابهای نیکو و رؤیاهای صادقه اشاره دارند. از خوابهای پریشان در قرآن با تعبیر «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» یاد می‌شود. به همین ترتیب، عمده مفسران مسلمان تعبیر «أَحَادِيث» را در سه آیه از سوره یوسف (آیات ۶، ۲۱، ۱۰۱)، مترادف با هر گونه خواب محتاج تعبیر، اعم از بد یا نیکو تلقی کرده‌اند (طباطبائی، ۱۱ / ۱۰۷).

به هر روی، پرکاربردترین واژه در قرآن برای اشاره به خواب نیکو، «رُؤیا» است که شش بار در قرآن دیده می‌شود. از این شش مورد، سه مورد آن در باره رؤیاهای یوسف نبی (ع)، دو موردش در باره رؤیاهای پیامبر اکرم (ص)، و یک مورد نیز، در باره رؤیای ابراهیم (ع) است (به ترتیب، رک: یوسف / ۵، ۴۳، ۱۰۰، اسراء / ۶۰، فتح / ۲۷، صافات / ۱۰۵). واژه منام و هم خانواده‌هایش مثل نوم و نائم هم در قرآن ۹ بار به کار رفته‌اند. گرچه در برخی از این موارد، مشتقات نوم را می‌توان به معنای خوابیدن گرفت (روم / ۲۳، زمر / ۴۲، نبأ / ۹)؛ به نظر می‌رسد که در مواردی متعدد نیز، این مشتقات، به‌ویژه واژه «منام» دلالت بر خواب دیدن و رؤیای فرد می‌کنند.

واژه «بُشری» که در لغت به معنای بشارت است، ظاهراً دلالتی بر معنای رؤیا ندارد. بااینحال، از نگاه بسیاری مفسران، این واژه در آیاتی از قرآن کریم، به معنای رؤیاهای خوب و شیرین است. بارزترین کاربرد این واژه بدین معنا در قرآن، در آیات ۱۰-۱۱

سوره انفال دیده می‌شود؛ آنجا که خداوند می‌فرماید پروردگارتان دعای شما را اجابت می‌کند و با هزار ملک صف کشیده سپاهتان را یاری خواهد نمود. آن گاه، بیان می‌دارد که خداوند این پیام را به عنوان بشارت بر شما فروفرستاد، آن گاه که شما را خوابی کوتاه در ربود. بر پایه سیاق این آیات و قرائن متنی، مفسران از آیه دریافته‌اند که مراد از «بُشری»، همان رؤیای صادقی است که خدا در آن خواب کوتاه بر قلب مؤمنان تابانده، و بدین سان به آنها آرامش داده است (برای تفصیل بحث، رک: کینبرگ، ۵۵۰). بر همین پایه، مفسران در تفسیر برخی دیگر از موارد کاربرد این واژه در قرآن، باز آن را با رؤیای صادق مترادف گرفته‌اند. برای نمونه، آنجا که خداوند به مؤمنان وعده می‌دهد که در دنیا و آخرت بُشری نصیبشان خواهد شد (یونس / ۶۴)، گاه آن را حمل بر رؤیای صادق و نیکو کرده‌اند (طبرسی، ۳۲۳ / ۱۱).

به همین ترتیب، تعبیر «اضغاث احلام» برای اشاره به رؤیاهای پریشان و فاقد تعبیر در قرآن کریم دو بار یاد شده است؛ یکی آن گاه که تهمت مشرکان به پیامبر اکرم (ص) را یادآور می‌شود و از آن می‌گوید که ایشان را به پریشان‌گویی و دروغ بستن به خدا متهم کرده‌اند (انبیاء / ۵)، و دیگر آنجا که بحث از خواب پیچیده عزیز مصر و درماندگی خوابگزاران از درک آن به میان می‌آید (یوسف / ۴۴).

ب) کارکردهای روانی رؤیا

با نظر در واژگان قرآنی برای اشاره به خواب و خواب دیدن، دو نکته شایان تأمل می‌نماید. یک مسئله این است که از منظر قرآن کریم، خواب همچون یک سبب مهم آرامش در زندگی، اختصاص به انسان و موجودات دنیوی و مادی دارد. خداوند و فرشتگان را خوابی دست نمی‌دهد. خداوند نه دچار خواب کوتاه می‌شود و نه خواب طولانی (بقره / ۲۵۵). فرشتگان هم شبانه روز به تسبیح خداوند مشغولند و هرگز برای لحظه‌ای باز نمی‌ایستند و خسته نمی‌شوند (فصلت / ۳۸). از آن سو، خوابیدن مایه آرامش

انسان است و افزون بر سلامت و شادابی جسم، آرامش روحی را نیز به دنبال می‌آورد (فرقان/ ۴۷، نبأ/ ۹). این امر، حتی در مورد خوابهای کوتاه نیز صادق است (آل عمران/ ۱۵۴ «أَمَنَّا نُعَاسَا»؛ نیز، برای تحلیلی در این باره، رک: طباطبایی، ۲۰/ ۲۶۲).

نکته شایان توجه دیگر این که در قرآن، معمولاً میان رؤیا دیدن با «منام» ارتباط برقرار گشته است؛ گویی دست یافتن به رؤیا برای کسی مقدور است که در خواب عمیق فرو رفته باشد. باینحال، در یک جا نیز بیان می‌دارد که در خلال خواب کوتاه سپاه پیامبر (ص) در زمان جنگ، خداوند برای آرامش آنها نَعَاسی را بر ایشان چیره می‌کند و در همان خواب کوتاه، برایشان بُشْرایی قرار می‌دهد (انفال/ ۱۰-۱۱).

پ) اقسام رؤیا

فخر رازی بر پایه آیات قرآن کریم، رؤیاهای را به سه قسم دسته‌بندی نموده است (رک: فخر رازی، ۲۶/ ۱۵۷). یک دسته از رؤیاهای، حاوی پیام یا توصیفی هستند که در بیداری به واقعیت مبدل می‌شود. به عبارتی، رؤیایی هستند که در آنها، صورت ساخته شده توسط قوه مُخَيِّلَة انسان، کاملاً متناسب با واقعیت خارجی است. این قسم، همان رؤیاهای صادق هستند. رؤیاهای صادق از رؤیا از شدت وضوح، احتیاج به تعبیر ندارند؛ همانند خواب پیامبر اسلام (ص) در باره فتح مکه: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ...» (فتح/ ۲۷).

برخی مفسران در تفسیر عبارت قرآنی «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (یونس/ ۶۴)، این قبیل رؤیاهای صادق را بشارتی از جانب خداوند برای مؤمنان در زندگی دنیا دانسته، و رؤیاهای صادق را مشتمل بر دو قسم دانسته‌اند؛ یکی رؤیاهای خوبی که مؤمن برای خودش می‌بیند، و دیگری، رؤیاهای خوبی که دیگران برای او می‌بینند (طبرسی، ۱۱/ ۳۲۳).

فراتر از این، در برخی روایات از آن سخن رفته که رؤیاهای صادق، یک جزء از

۷۰ جزء پیامبری، و از اسباب آن است (ابن بابویه، ۱۲۱؛ برای رواج این باور در میان عموم همچون یکی از مسلمات، رک: ابن سینا، *قانون*، ۱/ ۲۰۹). حتی در برخی روایات، از این سخن می‌رود که ابتدای دریافت وحی توسط پیامبر اکرم (ص) با رؤیای صادقه بود (بخاری، ۸۷/ ۶؛ ابن شهر آشوب، ۴۰/ ۱). بر این پایه، برخی عالمان با تکیه بر شماری از روایات، چنین دریافت‌اند که با درگذشت پیامبر اکرم (ص)، رابطه آسمان و زمین منقطع می‌گردد؛ بالینحال، تنها نحوه ارتباطی که برقرار می‌ماند، بشارتهایی است که خداوند با رؤیاهای صادقه به مردمان شایسته فرومی‌فرستد (رک: *رسائل اخوان الصفا*، ۸۹/ ۴؛ مجلسی، ۱۷۷/ ۶۱). حتی گاه برخی متکلمان، با استناد به امکان دریافت رؤیای صادقه و تجربه شدنش برای عموم، بر امکان دریافت وحی از جانب خداوند استدلال کرده‌اند (*رسائل اخوان الصفا*، ۱۱۶/ ۴؛ نیز، رک: کریمی، ۶۳). گاهی نیز، رؤیاهای صادقانه را به مثابه رزق کریمی تصویر کرده‌اند که خداوند نصیب انسانهای امین و صادق می‌گرداند (جوادی آملی، ۲۰/ ۷). فراتر از اینها همه، در مناطق مختلفی از جهان اسلام، افراد شبها را پس از به جای آوردن اعمالی خیر در مکانهای مقدس همچون مساجد و خانقاهها می‌خفته‌اند، بدان امید که در پی آن اعمال صالح، الهامی در خواب از جانب خدا دریافت کنند و به خیر خویش، رهنمون شوند (سبکی، ۲۱۲/ ۱۰؛ جندی، ۱۸۷-۱۸۸؛ آلوسی، ۳۵؛ فهد، ۲۵۹).

باری، دسته دوم از رؤیاهای یاد شده در قرآن از نگاه فخر رازی، آنهایی هستند که گر چه میانشان با واقعیت خارجی تناسب کامل برقرار است، مضمونی مخالف واقعیت خارجی و پیامی به ظاهر عکس آن دارند. از آن جمله است رؤیای ابراهیم (ع) که در خواب دید فرزندش را قربانی می‌کند؛ حال آن که به امر خدا چنین مقدر گردیده بود که گوسفندی ذبح گردد (رک: صافات/ ۱۰۲).

دسته سوم و آخر نیز در طبقه بندی فخر رازی، رؤیاهایی هستند که فهم آنها مشکل

است و نیاز به مفسر و معبر دارند؛ همچون چهار خواب ذکر شده در سوره یوسف. این قبیل رؤیاها، همانند که در قرآن با تعبیر «اضغاث احلام» یاد شده‌اند. گاه گفته شده که اضغاث احلام، یعنی امور به هم ریخته و گوناگونی که در خواب دیده می‌شود و گاه چنان با تصورات شخص درآمیخته که نمی‌توان دریافت بیننده رؤیا متأثر از کدامین مبانی خویش، چنین خوابی دیده است (ابن سینا، /الشفاء، ۲ / ۱۵۷). از این منظر، آنچه سبب شد خواب ملک مصر از جانب معبران اضغاث احلام شناسانده شود، آن بود که خواب وی، صورتی در هم از رؤیاهای مختلفی را دربرداشت که هر یک برای خودشان تعبیری جداگانه داشتند و چون با هم درآمیخته بودند، آگاهی از تعبیر مجموعشان برای معبران مشکل شده بود (مجلسی، ۶۱ / ۱۸۰).

همچنان که ملاحظه می‌شود، از نگاه عالمی همچون فخر رازی، این مسئله قطعی و بدیهی است که همه خوابهای انسان صادق و واقع‌نمایند؛ با این تفاوت که برخی از این خوابها - همچون خوابهای مؤمنان - واضحند و مدلولی روشن دارند، اما برخی دیگر از خوابها به‌سادگی قابل درک و تفسیر نیستند و به رمز گشایی نیاز دارند. باینحال، در روایات مختلفی از اهل بیت (ع) هم سخن از این می‌رود که برخی رؤیاها نیز، کاذبند و لزوماً هر آنچه رؤیا دیده شود، بازتاباننده واقعیت خارجی نیست (برای نمونه، رک: کلینی، ۸ / ۹۱).

۲. رؤیای انبیاء الاهی (ع) در قرآن کریم

با مروری بر آیات مختلف قرآن کریم در باره رؤیاها دانسته می‌شود که از نگاه قرآن، رؤیای انبیاء، نوعی مشاهده حقایق به صورت روشن است. به همین معنا در برخی روایات نیز اشاره می‌شود. برای نمونه، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: ما پیامبران، چشمهامان می‌خوانند، اما دلمان به خواب نمی‌رود (مجلسی، ۱۱ / ۱۱).

۵۵. از علی (ع) نیز نقل شده که رؤیای انبیای الهی، وحی است (همان، ۶۱ / ۱۸۱). سبب امر این باید باشد که چون قلب پیامبران (ع) حتی هنگام خواب نیز هوشیار است، وسوسه‌ها و تخیلات شیطانی در خوابشان راه ندارد.

الف) رؤیای ابراهیم (ع)

از جمله رؤیاهای انبیاء که در قرآن کریم یاد شده، رؤیای ابراهیم (ع) برای ذبح فرزند خویش است (صافات / ۱۰۲-۱۱۰)؛ فرزندی که بر پایه برخی روایات، اسماعیل، و بر پایه برخی روایات نیز، اسحاق معرفی می‌شود (قس: ابن جعد، ۴۶۳؛ ثوری، ۲۵۳). چنان که در قرآن کریم نقل می‌شود، زمانی که فرزندش به سن بلوغ رسید، خداوند به ابراهیم (ع) در عالم رؤیا فهماند که باید او را ذبح کند. برخی مفسران از تعبیر «إِنِّي أُرِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ» چنین دریافته‌اند که ابراهیم (ع) این صحنه را در خواب، مکرر دیده است (عُضِیمه، ۵۲). بدین سان، وی در خواب امر به کاری شده، و نتیجه آن کار در برابرش متمثل گردیده است. به همین جهت فرزندش را امتحان کرد، تا ببیند او چه جوابی می‌دهد. فرزند اظهار رضایت نمود. بالینحال، نگفت «مرا ذبح کن»؛ بلکه از پدر خواست کاری را که بدان مأمور است، به انجام رساند (صافات / ۱۰۲) «أَفْعَلْ مَا تَأْمُرُ». از این بیان فرزندش دریافته می‌شود که وی باور داشته پدرش بدین کار مأمور است و به جز اطاعات، چاره‌ای ندارد. به بیانی دیگر، او نیز باور داشت که خواب انبیاء الهی جلوه‌ای از وحی خداست. باری، پس از آن خداوند ابراهیم (ع) را ندا کرد که خواب را به حقیقت رسانده است و این دو از امتحان آشکار خدا سربلند بیرون آمده‌اند. آن گاه خداوند «ذبحی عظیم» را فدیة خون فرزند قرار داد (صافات / ۱۰۵-۱۰۷). بر پایه روایات، این ذبح عظیم، قوچی بود که جبرئیل به فرمان خدا در اختیار ابراهیم قرار داد (مقاتل، ۳ / ۱۰۴؛ صنعانی، ۸ / ۴۶۰). برخی مفسران اسباب عظیم خوانده شدن این ذبح را در آن جسته‌اند که از ناحیه خدا آمده، و خداوند آن را فدیة بنده صالحی همچون

اسحاق یا اسماعیل قرار داده است (طباطبایی، ۱۷ / ۲۳۱). خدا در برابر این فرمانبرداری به ابراهیم تحیت و سلام فرستاد (صافات / ۱۰۹).

ب) رؤیای یوسف (ع)

یوسف (ع) در عالم رؤیا دید که یازده ستاره و ماه و خورشید وی را سجده می‌کنند (یوسف / ۴). این رؤیا بشارتی بود که خدای سبحان به یوسف داد؛ باشد که او را برگزیند و در راه ولایت و تقرب خویش آماده سازد (طباطبایی، ۱۱ / ۱۰۴). از همین رو، یعقوب (ع) ترسید که برادران یوسف (ع) اگر خواب وی را بشنوند، او را صدمه‌ای بزنند. آنها مردانی قوی و نیرومند بودند و انطباق یازده ستاره و آفتاب و ماه بر یعقوب و همسر و یازده فرزند دیگرش، روشن و آشکار بود. یعقوب (ع) می‌دانست برادران به محض آگاهی از خواب وی، معنایش را دریافته، به اقتضای تکبر و نخوتشان وادار به حسادت می‌گردند. آن گاه در صدد برمی‌آیند نقشه‌ای بریزند که میان یوسف (ع) و پدر حائل شوند و نگذارند وی بدان بشارتها دست یابد. بر پایه این آیه می‌توان دریافت از نگاه فرزندان یعقوب (ع)، خواب روشن و واضح، از معنایی آشکار پرده برمی‌دارد و در وقوع حتمی آن تردید نیست.

باری، وعده الهی تحقق می‌یابد. خدا او را برمی‌گزیند و تأویل رویدادهایی را که در خواب دیده است، به وی می‌آموزد (یوسف / ۶، ۲۱، ۱۰۱). یوسف (ع) نیز، در آزمون سخت خداوند، برهان او را شهود، و بدین سان، عصمت و طهارت خود را حفظ می‌کند (یوسف / ۲۴). سرآخر، به مقام ولایت و دوستی خداوند نائل می‌گردد (یوسف / ۱۰۱؛ برای تحلیلهایی در این باره، رک: ابن عربی، تفسیر، ۱ / ۸۵؛ طباطبایی، ۱۰ / ۱۲۹؛ جوادی آملی، ۷ / ۱۸).

نمود این دوستی خداوند با یوسف را می‌توان در رویدادهای مختلفی که برای وی پیش آمد، مشاهده کرد؛ چه آن زمان که برادران، یوسف را به چاه انداختند و خدا به

وی وحی کرد زمانی خواهد رسید که آنها را از کردارشان با خویش آگاه نمایی (یوسف / ۱۵)؛ و چه آن زمان که از وی خواسته‌های ناروا داشتند و یوسف به خدا نالید که زندان برایش از تحمل این وضع، گوارتر است و خدا خواسته او را اجابت کرد (یوسف / ۳۳)؛ و چه آن زمان که سرآخر، خدا وی را بر تفسیر آنچه برایش روی داده بود، آگاه کرد و رؤیای او را به حقیقت مبدل ساخت (یوسف / ۱۰۰-۱۰۱).

پ) رؤیاهای پیامبر اکرم (ص)

در قرآن کریم، به چند نمونه از رؤیاهای صادقانه پیامبر اکرم (ص) نیز، اشاره شده است. یک نمونه از این قبیل، رؤیای صادقانه پیامبر (ص) در زمان جنگ بدر است. بر پایه آیه ۴۳ سورة انفال، خداوند پیش از وقوع این جنگ در عالم رؤیا سپاهیان دشمن را به پیامبر (ص) اندک نشان داد؛ باشد که مؤمنان را از خواب خود آگاه کند و آنها با اعتمادی که به درستی خواب پیامبر (ص) دارند، برای جنگ جرأت بیشتری پیدا کنند (رک: قمی، ۱/ ۲۷۸-۲۷۹؛ طبری، ۱۰/ ۱۷).

نمونه دیگر، رؤیای صادقانه پیامبر (ص) در باره فتح مکه است. پیامبر (ص) در خواب مشاهده نمودند که مسلمانان با کمال امنیت و آسودگی به مسجد الحرام پا نهاده، اعمال عمره را به جای آوردند و سر تراشیدند و تقصیر کردند (فتح / ۲۷). این رؤیا پیش از انعقاد پیمان صلح حدیبیه پیش آمد. با انعقاد این پیمان، مشرکان طبق مفاد صلح نامه از ورود ایشان به مکه در آن سان جلوگیری کردند (رک: طیب، ۱۲/ ۲۱۷). از این رو، مسلمانان دچار شک و تردید گشتند؛ چرا که که رؤیای پیامبر اکرم (ص) به واقعیت مبدل نشده بود. با اینحال، با گذشت یک سال، و پس از آن که موقعیت سیاسی درخشانی در پی صلح حدیبیه نصیب مسلمانان گردید، آنها توانستند برای به جای آوردن حج بدون ترس به مکه پا نهند (طباطبایی، ۱۸/ ۴۳۵).

در آیه‌ای از قرآن کریم، به یک رؤیای دیگر پیامبر (ص) نیز، اشاره شده است. آیه

۶۰ سوره اِسرائ، خبر از رؤیایی می‌دهد که خداوند به پیامبرش باز نمود و آن را آزمونی برای مردم و بیانگر «شجره‌ای ملعونه» در قرآن قرار داد؛ شجره ملعونه‌ای که خداوند هر چه ایشان را انذار می‌کند، جز بر طغیان بزرگ خویش نمی‌افزایند. گرچه مضمون این رؤیا در قرآن به نحوی مجمل ذکر گردیده، در برخی روایات نقل شده از امام صادق (ع) تصویری روشن‌تر از آن باز نموده شده است. بر پایه این روایات، پیامبر (ص) در خواب دیدند که میمون‌هایی از منبر ایشان بالا می‌روند و فرود می‌آیند و منبر ایشان را ملعبه خود قرار داده‌اند. بر پایه این روایات، و هم روایاتی دیگر که از طرق عامه مسلمانان از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل گردیده است، مراد از شجره ملعونه، گروهی از بنی امیه هستند که بوزینه‌وار یکی پس از دیگری بر منبر تبلیغ و مسند دعوت پیامبر اکرم (ص) تکیه می‌زنند (رک: حسینی همدانی، ۱۰ / ۱۰۱).

چنان که در همه نمونه‌های فوق مشاهده می‌شود، از نگاه قرآن کریم، رؤیای انبیاء سیمایی از وحی الاهی است که انبیاء باید در برابر آن فرمانبردار باشند (قرائتی، ۱۰ / ۴۹). رؤیاهای انبیاء به نوعی با عالم خارج ارتباط دارد و لازم نیست به محض رؤیت آن رؤیا به سرعت محقق شود؛ اما تحقق آن حتمی است (رک: ابن عربی، رسائل، ۹۵). به همین ترتیب، می‌توان با ملاحظه توصیفات این رؤیاها در قرآن کریم دریافت که از دید پیامبر اکرم (ص) و مخاطبان ایشان، رؤیای پیامبر اکرم (ص) لزوماً مطابق با واقع بوده است.

۳. تحلیلها از پدیده رؤیا در فرهنگ اسلامی

متناسب تأکید قرآن کریم بر واقع‌نمایی رؤیاها و کارکردهای آن در زندگی انسان، و جایگاه رؤیاهای صادق در قرآن همچون یک نشانه الاهی، مسلمانان هم به پدیده رؤیا توجه نشان داده، و در باره جوانب مختلف این پدیده مباحث و نظریاتی را مطرح

کرده‌اند.

الف) درک رایج از مفهوم رؤیا بر پایه تحلیل‌های لغوی

از جمله منابعی که می‌توان با مرورش به درک عامه مسلمانان از مفهوم رؤیا دست یافت، منابع لغوی هستند. بر پایه این منابع، اصل واژه رؤیا از ماده «رأی» به معنای دیدن است. رؤیا مصدر به معنای اسم مفعول است؛ یعنی آن چه در خواب دیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱/ ۱۸۸). همین تفسیر از معنای واژه توسط دیگر عالمان لغت نیز تأیید گردیده است (ابن منظور، ۱۴/ ۲۹۷؛ طریحی، ۱/ ۱۶۲). گاه نیز میان رؤیا با مکاشفه و خلسه نیز شباهتی بسته‌اند؛ بدین ترتیب که حقایقی که در عالم خواب رؤیت شود، رؤیای صادق خواهد بود؛ اما اگر در حال بیداری بدان حقایق راه جویند، مکاشفه نامیده می‌شود؛ همچنان که اگر در حالتی میان خواب و بیداری چنین حقایقی را حاصل کنند، خلسه نامیده خواهد شد (رک: معین، ۴/ ۱۶۳۳).

به طبع، می‌توان انتظار داشت که هم رؤیا و هم خلسه و مکاشفه، گاهی مطابق با واقع نیز نباشند؛ به عبارت بهتر، منشأی شیطانی داشته باشند، یا به شرایط جسمی بدن مربوط باشند. نیز، به نظر می‌رسد از نگاه عموم عالمان لغت، «رؤیا» نتیجه جدا شدن نفس از حواس ظاهر و متوجه گردیدنش به باطن است؛ حالتی که در آن، برای قوه مخیله فراغتی جهت رؤیت و درک حاصل می‌شود (مصطفوی، ۴/ ۱۱).

ب) شباهت خواب و مرگ از منظر قرآن کریم

افزون بر درک عرفی پیش گفته از مفهوم رؤیا، در آیه‌ای از قرآن کریم تبیینی دقیق از چگونگی وقوع خواب ارائه شده است. بر این پایه، روح و نفس انسان در خواب از بدن جدا می‌شود و به نزد خدا می‌رود؛ شبیه اتفاقی که در هنگام مرگ می‌افتد. البته، میان خواب و مرگ یک فرق هست و آن این که در هنگام مرگ، جدایی نفس از بدن کامل می‌شود؛ حال آن که در هنگام خواب، این جدایی موقت بازگشت پذیر است (رک:

زمر / ۴۲).

در این آیه، برای ستانده شدن نفس انسان توسط خدا در هنگام خواب و مرگ، تعبیر «تَوَفّی» به کار رفته است. از نگاه مفسران مسلمان، این تعبیر به معنای گرفتن چیزی به طور کامل است (رک: طبرسی، ۲۱ / ۱۸۷). بر پایه این تفسیر، خداوند جانها را در هنگام خواب و مرگ به طور کامل می‌گیرد. آن گاه، جانی را که قضای الهی به مرگش تعلق گرفته است، نزد خود نگاه می‌دارد و آن را که قرار است هنوز تا مدتی دیگر زنده باشد، بازمی‌فرستد.

پ) فرایند رؤیا

عالمان مسلمان با تکیه بر فهم عرفی رایج در فرهنگ اسلامی از این پدیده، و هم آیات قرآن کریم، به تحلیل فرایند آن هم پرداخته‌اند. بر پایه این تحلیلها، قوه ادراک و خیال که همواره اطلاعات را از منابع حسی مثل شنوایی و بینایی دریافت می‌کند و صورتهای بسیط و مرکب را در مخزن خیال خود گرد می‌آورد، می‌تواند آن صور مخیله را به صورتهای مختلف تجزیه و ترکیب کند. رؤیایی که فرد هنگام خواب می‌بیند، یکی از اشکال این ترکیب و تجزیه صور خیالی است.

برخی فلاسفه مسلمان برای تشریح اقسام رؤیا، به تفکیک میان عوالم سه گانه طبیعت، عالم مثال، و عالم عقل توجه نشان داده‌اند. بر این پایه، در حالت بیداری معمولاً نفس انسان با جسم ارتباط دارد؛ جسمی که در عالم طبیعت به سر می‌برد. هنگامی که انسان به خواب می‌رود، حواس طبیعی تعطیل می‌شود و بین نفس و جسم انفصال رخ می‌دهد. بدین سان، نفس به جایگاهی همانند و مشابه خود می‌رود. این جا برای نفس وقوع دو حالت ممکن است. اگر نفس از توانایی و قدرت درک مجردات برخوردار باشد، می‌تواند به عالم «عقل مجرد» ارتقاء یابد و حقایق فراتر از عالم مادی را نیز، دریابد. در غیر این صورت، تنها به سیر در عالم مثال بسنده می‌کند و صرفاً حوادث

طبیعی و حقایق عالم مادی را می‌بیند (انصاری، ۳۹۶-۳۹۸). بر این مبنا، رؤیای صادقه، حاصل سلوک نفس در عالم مثال است؛ نفسی که در عالم مثال سیر کرده، علل و اسباب اشیاء را در صورت واقعی‌شان می‌بیند.

فارابی و ابن سینا از فیلسوفان نامدار مسلمان، پدیده رؤیا را با تکیه بر «عقل فعال» و اتصال نفس به این عقل در عالم خواب توضیح داده‌اند. آنها معتقدند برخی از قوای نفس انسان مانع فعالیت آزاد قوای دیگر می‌شوند. مثلاً، در هنگام بیداری، مُدركات حواس و سایر قوا، قوه مُخیله را مشغول می‌کند و از فعالیت خاص خود باز می‌دارد. هنگام خواب، عقل و قوه مخیله از ورود پی در پی مُدركات حسی آزاد می‌شوند. این فراغت، عقل را برای اتصال به عقل فعال مهیا می‌کند. پس از این اتصال، عقل انسان معارفی را از عقل فعال دریافت می‌کند. آن گاه قوه مخیله مُدركات به دست آمده را به صور خیالی مناسب شبیه‌سازی می‌کند. این صور در اختیار یک قوه باطنی دیگر قرار می‌گیرد که ابن سینا از آن به «حس مشترک» تعبیر می‌کند؛ قوه‌ای که صور حاصل از حواس ظاهری در آن جمع، و به وسیله آن ادراک می‌شوند (رک: ابن سینا، نجات، ۳۲۸). به هر روی، وقتی این صور در اختیار حس مشترک قرار گرفتند، قابل رؤیت خواهند بود. بنا بر این، رؤیا عبارت است از دیدن صوری که عقل ما از عقل فعال به دست آورده، قوه مخیله آنها را تبدیل به صور خیالی نموده، و حس مشترک امکان رؤیتشان را فراهم نموده است (ابن سینا، المباحثات، ۸۳).

اکنون بر پایه همین دیدگاه، می‌توان رؤیای صادقه را نیز تبیین کرد. چنان که طباطبایی تقریر نموده (۱۱ / ۲۶۹)، گاه نفس انسان موجودات مثالی را به صورتهایی ادراک می‌کند که با آنها مأنوس‌تر است. برای نمونه، علم را به صورت نور و جهل را به صورت ظلمت مشاهده می‌نماید، یا حتی گاه ذهن از یک معنا به معنای ضد آن منتقل می‌شود.

در برابر این آرای مشهور، گاه برخی دیگر از فلاسفه مسلمان هم تحلیلهایی متفاوت از پدیده رؤیا ارائه داده‌اند که بر پایه نظریه عالم مثل افلاطون بنا نشده است. برای نمونه، گاهی رؤیا را نه بازتاباننده حقایق ادراکی در عالم مثالها، که در بردارنده و دریافت کننده حقایق نفس و روح خود انسان دانسته‌اند (رک: حسن زاده، ۱۲).

ث) اعتماد واعتناء به رؤیا در پذیرش احکام شرعی

از دیگر مباحث مهم در میان عالمان مسلمان در باره رؤیا، مسئله حجیت آن، یا به عبارت بهتر، امکان اعتماد و اعتناء بدان در پذیرش احکام شرعی است. عمده فقیهان مسلمان حکم کرده‌اند رؤیاهایی که دلالت بر حکم شرعی نماید، فاقد اعتبار و حجیت است؛ مگر آن که برای شخص در نتیجه این رؤیا، قطع و یقین به حکم شرعی حاصل شود. در آن صورت، نه بدین سبب که رؤیا حجت است، بلکه بنا بر حجیت قطع، چنین یقینی برای فرد حجت خواهد بود. بالینحال، چنین یقینی برای دیگران برای دیگران اعتباری ندارد و الزامی نمی‌آورد. صرفاً خود فرد است که می‌تواند این گونه یقین را حجتی در پیشگاه خدا برای خویش تلقی کند (انصاری، ۴۰۲؛ نیز، رک: مفید، ۱۳۱؛ خویی، سؤال ۱۳۱۴).

گذشته از این، در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که احکام خداوند، برتر از آن است که در خواب دیده شود (کلینی، ۳/ ۴۸۲؛ نیز، رک: مجلسی، ۶۲/ ۱۵۱). مراد از این حدیث می‌تواند آن باشد که مشروعیت یک حکم، نمی‌تواند با خواب دیدن به اثبات رسد؛ بلکه تنها راه اثبات آن، استنباط اجتهادی از ادله‌ای است که مشروعیت آنها پیش از این ثابت گردیده است. شاید بتوان گفت از آن سبب که دیدن رؤیا ضابطه و ملاک مشخص و معینی ندارد و لزوماً رؤیای همگان مطابق با واقع نیست و تفسیر آن هم ذوقی و شخصی و تنوع پذیر است، نمی‌توان رؤیا را دلیلی ثابت و پایدار برای حکم شرعی تلقی کرد.

نتیجه

دیدیم چنان که قرآن کریم گزارش کرده است، رؤیا و به حقیقت پیوستن آن تجربه‌ای کهن است که اقوام مختلف بشری بدان باور داشته‌اند. نه تنها مسلمانان صدر اسلام رؤیای پیامبر خود را امری مطابق با واقع و حقیقت می‌دانسته‌اند و با اعتماد بدان روحیه می‌گرفته‌اند، که در گذشته‌های بس دورتر نیز، رؤیای کودکی همچون یوسف (ع) از نگاه برادرانش - که لزوماً باور به نبوت وی نداشته‌اند و به وی حسادت نیز می‌نموده‌اند، چنان می‌توانسته است بیانگر واقع باشد که برای آنها خطری محسوب شود.

چنان که دیدیم، در قرآن کریم افزون بر یادکرد نمونه‌هایی از رؤیای صادقانه پیامبران مختلف، به تحلیل پدیده رؤیا نیز توجه شده است. عالمان مسلمان هم با تکیه بر مضامین قرآنی در باره پدیده رؤیا، به تبیین اسباب و علل وقوع آن پرداخته، و حتی گاه کوشیده‌اند امکان دریافت وحی از جانب خداوند را نیز با تکیه بر این تجربه همگانی مستدل و موجه کنند.

از نگاه این عالمان، بدن سایه نفس به شمار می‌آید و نفس بدون بدن می‌تواند حتی بهتر از هنگامی که با بدن همراه است به ادراک حقایق نایل شود. آنها معتقدند می‌توان با تعمق در پدیده خواب و رؤیا، به درک بهتر پدیده مرگ و امکان بقای روح انسان پس از آن پی برد. بر این پایه، رؤیا درک این بُعد وجودی انسان را برای او آسان می‌کند و امکان شناخت هر چه بیشتر فرد از خود و زمینه عبودیت و بندگی وی را پدید می‌آورد. بالینهمه، عمده عالمان مسلمان با تکیه بر این که رؤیاها هم لزوماً مطابقت با واقع ندارند و هم، لزوماً به درستی تفسیر نمی‌شوند، اعتماد بر آنها را به مثابه منابعی برای حکم شرعی، مردود شمرده‌اند.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- آلوسی، محمود، *غرائب الاعتراف*، چ سنگی، بغداد، ۱۳۲۷ق.
- ۲- ابن بابویه، محمد، *الامالی*، قم، ۱۴۱۷ق.
- ۳- ابن جعد، علی، *المسند*، به کوشش عامر احمد حیدر، بیروت، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
- ۴- ابن سینا، حسین، *الشفاء (الطبیعیات)*، به کوشش سعید زائد، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۵- همو، *القانون*، بیروت، دار صادر.
- ۶- همو، *المباحثات*، به کوشش محسن بیدار فر، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۱.
- ۷- همو، *النجاة*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۶۴ش.
- ۸- ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، نجف، کتابخانه حیدری.
- ۹- ابن عربی، محمد، *الرسائل*، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۶۷ش.
- ۱۰- همو، *التفسیر*، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- ۱۱- ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۱۲- انصاری، محمد رضا، «رؤیا»، *دائرة المعارف تشیع*، به کوشش احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، جلد ۱۱، تهران، ۱۳۸۳ش.
- ۱۳- بخاری، محمد، *الجامع الصحیح*، استانبول، دار الطباعة العامره.
- ۱۴- ثوری، سفیان، *التفسیر*، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم، ۱۳۷۶ش.
- ۱۶- جندی، محمد، *السلوک فی طبقات العلماء والملوک*، به کوشش محمد بن علی اکوع حوالی، صنعاء، ۱۹۹۵م.
- ۱۷- حسن زاده آملی، حسن، *تکمله در شرح صد کلمه*، قم، ۱۳۸۴ش.

- ۱۸- حسینی همدانی، محمد حسین، *انوار درخشان*، تهران، ۱۴۰۴ق.
- ۱۹- خویی، ابوالقاسم، *صراط النجاة*، قم، ۱۴۱۶ق.
- ۲۰- رابط، رحیم، *خواب و تحلیل رؤیا از دیدگاه یونگ*، تهران، ۱۳۸۹ش.
- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین، *المفردات*، دمشق/ بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲- *رسائل اخوان الصفا*، بیروت، ۱۳۷۶ق/ ۱۹۵۷م؛
- ۲۳- رضوان طلب، محمد رضا، *رؤیا از نظر دین و روانشناسی*، تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۲۴- سبکی، عبدالوهاب، *طبقات الشافعية الكبرى*، به کوشش عبدالفتاح محمود حلو و محمود محمد طناحی، جیزه، ۱۹۹۲م.
- ۲۵- صنعانی، عبدالرزاق، *المصنف*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۲۶- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، ۱۳۷۴ش.
- ۲۷- طبرسی، فضل، *مجمع البیان*، ترجمه ابراهیم میر باقری و دیگران، تهران، ۱۳۵۰-۱۳۶۰ش.
- ۲۸- طبری، محمد، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، به کوشش صدقی جمیل عطار، بیروت، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
- ۲۹- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۳۰- طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ۱۳۷۸ش.
- ۳۱- عضیمه، صالح، *معناشناسی واژگان قرآن*، ترجمه حسین سیدی، مشهد، ۱۳۸۶ش.
- ۳۲- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، ۱۳۸۳ش.
- ۳۳- قمی، علی، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزائری، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۳۴- فروم، اریش، *زبان از یاد رفته*، ترجمه ابراهیم امانت، تهران، ۱۳۴۹ش.

- ۳۵- فروید، زیگموند، *هذیان و رؤیا در گرا دیوای ینسن*، ترجمه محمود نوایی، تهران، ۱۳۳۴ ش.
- ۳۶- فخر رازی، محمد، *مفاتیح الغیب*، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- ۳۷- *کامل التعبير*، منسوب به ابن سیرین، تهران، علمی.
- ۳۸- کریمی، مصطفی، *وحی شناسی*، قم، ۱۳۸۶ ش.
- ۳۹- کلینی، محمد، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۴۰- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، ۱۳۹۳ ق.
- ۴۱- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۴۲- معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر.
- ۴۳- مفید، محمد، *الفصول المختاره*، به کوشش علی میر شریفی، بیروت، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م.
- ۴۴- مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، به کوشش احمد فرید، بیروت، ۱۴۲۴ ق/ ۲۰۰۳ م.
- ۴۵- مقدم، سبا، «درس گفتارهای یونگ در تعبیر و تفسیر رؤیا»، *بخارا*، شماره ۸۳، مهر و آبان ۱۳۹۰ ش.
- ۴۶- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه.
- ۴۷- یونگ، کارل گوستاو، *تحلیل رؤیا*، ترجمه رضا رضایی، تهران، افکار.
- نیز:

- 48- Fahd, T., "Istikhara," *Encyclopedia of Islam*, 2nd edition., Leiden, 1960 ff., vol. IV.
- 49- Kinberg, Leah, "Dreams and Sleep," *Encyclopedia of Qur'an*, ed. Jane Dammen MC Auliff, vol. I, Brill, 2001.
- 50- Siegel, Jerome M., "Sleep," *Encyclopedia Encarta*, DVD ROM edition, Microsoft Corporation, 2006.